



علی‌ملکی ـ زهرا طبیبی

گروه سیاست

در میانه بحران‌ها، آشوب‌ها و حتی در اوج پیروزی، «قلبی گرم داشت و مغزی سرد». امام خمینی این مواجهه را در تمام طول حیات چه در دوران مبارزاتی چه سال‌های رهبری نظام اسلامی ایران و عبور دادن آن از بحران‌ها حفظ کرد. نگاهی به سیره مبارزاتی امام خمینی نشان می‌دهد، مبارزه او هیچ‌گاه بر مدار احساسات و ناشی از هیجان‌زدگی نبوده و در عین آنکه شدیدترین صحنه‌ها را علیه رژیم «شاه مطح می‌کرده، هیچ زمان از عقلانیت فاصله

در سی‌وششمین سالگرد رحلت امام خمینی^(ه) چند وجه از میراث سیاسی بنیانگذار انقلاب را مرور کرده‌ایم

امام عقلانیت واستقامت

پرتلاطم استقرار انقلاب و حفظ وحدت در جامعه‌ا استقرار یافتن کامل نظام جمهوری اسلامی قرار می‌دهد،درمقابل زیاده‌خواهی‌ها، تهدیدات و اعمال فشارهای قدرت‌های غربی مثل آمریکا، کوتاه نمی‌آید و این برخورد به یکی از اصول اساسی انقلاب ایران تبدیل می‌شود. درنگاه بهابعادشخصیتی رهبر کارزماتیک ایران،سمویگی بیش از همه نمود دارد و محل تأمل و بررسی است؛ عقلانیت، استقامت و توجه به حفظ انسجام در همه سطوح، اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در سیره مدیریتی و مبارزاتی امام بودند که تبدیل به اصول اساسی انقلاب ایران شدند.

نگرفته است. شاید نمونه ثبت شده در ذهن مردم از برخورد عاقلانه امام، زمانی باشد که خبرنگار در هواپیما از او در مورد احساس امام می‌پرسد و امام پاسخ می‌دهد «هیچ احساسی ندارم». رفتار امام و مصلحت‌سنجی‌ها بر مبنای مقتضیات زمانه چه در دوران مبارزه چه پس از آن تغییری نمی‌کند، برای مثال در دورانی که امام در پاریس حضور دارد نحوه برخوردش با رسانه‌ها و مقامات کشورهای غربی به همان اندازه منطقی و عاقلانه است که در دوران پس از انقلاب با رعایت مصلحت‌سنجی‌های لازم این روابط و واکنش‌ها تنظیم می‌شود. امام در عین آنکه اصل را بر برخورد عقلانی با روزهایی

با این حال، امام به آثار منفی این انشعاب آگاه بودند و تلاش‌هایی برای ترمیم آن صورت گرفت.

دانشجو باید در سرنوشتش دخالت کند

امام خمینی (ره) برای دانشگاه و دانشجویان در سیاست نقشی ویژه قائل بودند و عقلانیت ایشان در این زمینه، در تأکید بر مشارکت همگانی در سرنوشت سیاسی کشور نمود پیدا کرد. ایشان معتقد بودند که سیاست نباید محدود به طیف خاصی مانند روحانیت باشد. وقتی برخی در دانشگاه‌ها ادعا کردند که دخالت در سیاست حق مجتهدین است، امام با صراحت این دیدگاه را رد کردند و فرمودند: «این یک توطئه است... همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند.» امام با تأکید بر نقش دانشگاه به‌عنوان مرکزی برای تربیت متخصصان متعهد، خواستار اسلامی شدن دانشگاه‌ها شدند. اما این اسلامی‌شدن را به معنای حصر دانشگاه به علوم دینی ندانستند. ایشان با رد مغالطه‌هایی که دانشگاه اسلامی را مخالف علم و تخصص معرفی می‌کردند، فرمودند: «ما با تخصص مخالف نیستیم؛ با نوکری اجانب مخالفیم.»

هیجان‌زدایی از انقلاب

امام خمینی (ره)، هر چند بنیان‌گذار انقلابی دینی بودند، اما انقلابی‌گری را مترادف با هیجان‌زدگی و اقدامات غیر عقلانی نمی‌دانستند. ایشان در هر گام از مسیر انقلاب، عقلانیت و توجه به مصالح مردم حفظ کردند. امام در قیام ۱۵ خرداد، با سخنرانی تاریخی در مدرسه فقیهیه، ضمن افشای روابط پنهانی شاه با اسرائیل، به او نصیحت کردند: «آقا من به شما نصیحت می‌کنم؛ دست بردار از این کار‌ها... اگر دیکته می‌دهند دست و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن.» این نصیحت، نه از سر احساسات، بلکه با هدف بیداری شاه و

شدن اختلافات و کارشکنی گروه‌های مسلح در مرزهای کشور بود. در اسفند سال ۵۷ بعد از آنکه تحركات گروه‌های کومله در کردستان شروع می‌شود و ایسن گروه‌ها به ژاندارمری‌ها و ارتش حمله می‌کنند، امام در پیامی ضمن ترقیب این اقدام، باز هم به ضرورت حفظ وحدت و انسجام تأکید می‌کنند و می‌نویسند: «این قبیل کار‌ها با خلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است.

مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هرگونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم. همه اهل ملت واحد و قرآن واحد هستیم.» مواجهه امام با غائله کردستان، منجر به مدیریت این اختلاف می‌شود. در همین راستاست که امام در دیدار با علمای کردستان، به این موضوع تأکید می‌کنند که آن‌هایی که این غائله را راه انداختند با مردم و جامعه اسلامی سر عناد دارند و می‌گویند: «گُرد مُشلم است، ملت کُرد ما مُشلم است؛ متعهد به اسلام است. مُشلم ما مُشلم جنگ ندارد. این‌ها می‌خواهند مملکت ما را، در کردستان ما را، به ضلالت بکشند؛ که کمونیستی بکشند. ملت گُرد باید بیدار شود. علمای کردستان توجیه داشته باشند این جرثومه‌های فساد را معرفی کنند.» موضوعاتی مثل غائله کردستان اگرچه ماهیتی سیاسی و هدایت‌شده از قدرت‌های خارجی داشتند اما با هدف اختلاف‌افکنی در جامعه ایرانی و چندپاره کردن کشور افشانی می‌افتند که امام با مواجهه عاقلانه و هوشمندانه بر نامه‌اش دشمنان را خنثی می‌کنند.

فرمان حفظ وحدت

در سطح سیاستمداران و مسئولان نظام نوپای جمهوری اسلامی، بروز اختلافات امری دور از ذهن نبود اما مواجهه امام و توصیه‌های جدی به حفظ وحدت در جامعه اسلامی، ایران را از این پیچ‌های حساس عبور داد. بعد از آنکه بنی‌صدر در میانه جنگ، با بسیاری ارکان نظام اختلافات جدی پیدا می‌کند، امام در فروردین سال ۶۰ فرمانی هفت ماده‌ای صادر

محمدرضا پهلوی می‌داند به‌همین خاطر بخش جدایی‌ناپذیر از مقاومت امام، ایستادگی مقابل توطئه‌های آمریکایان نیز هست. تعبیر امام از روابط شاه و آمریکا این است: «[روابطی که] در زمان شاه سابق بین ایران و آمریکا بوده است، اصلاً [روابط نبوده است. این یک آقای بوده یا نوکرش هر کاری می‌خواست، هر امری که می‌کرده عمل می‌کرده. ما چنانچه بخواهیم اسلام را پیش ببریم دیگر نباید نوکر باشیم. اگر نوکر باشیم رابطه‌اش را با ما قطع می‌کند. ما از خدا می‌خواهیم که رابطه قطع بشود. ما ذاتاً رانخواهیم پذیرفت برای خاطر اینکه یک رابطه با یک ابر قدرت داشته باشیم. شرافتی نیست رابطه داشتن با امثال آمریکا.» مواجهه امام با آمریکا هیچ‌گاه از موضع ضعیف نبود اما در عین حال در ماجراهایی مثل تسخیر سفارت و موارد دیگر امام برخوردی عاقلانه داشتند، براین اساس که باید حساب مردم آمریکا را از دولت آمریکا جدا کرد و ضمن آنکه تهدیدات تندی در مورد نگهداری شاه مخلوع مطرح کرده و می‌گویند: «اول باید حساب ملت آمریکا را از دولت آمریکا جدا کنیم. ما به هیچ وجه مقابل ملت آمریکا نیستیم. آقای کارتر است که به این ناراحتی دامن می‌زند از طریق جنگ اعصاب و ممکن است به دخالت نظامی منجر شود و ما به هیچ

حال موسم حج را فرصتی برای ایجاد و تحکیم این اتحاد می‌داند و در موسم حج، نقش کلیدی برای «خطبا، گوندگان و نويسندگان» تعريف می‌کند و تأکید می‌کند که آن‌ها باید برای ایجاد وحدت کلمه و رفع اختلاف گام بردارند.

وحدت کلمه به معنی واقعی محقق شد

روزهای ابتدای انقلاب، جامعه ایرانی که شامل گروه‌های مختلف مبارز مسلمان و چپ بود، مستعد چندپارگی، چنددستگی و اختلاف بود. به همین خاطر امام به محض ورود به فرودگاه مهرآباد، در جملاتی کوتاه، از ضرورت حفظ وحدت جامعه می‌گوید: «ما باید از طبقات ملت تشکر کنیم که این پیروزی تا اینجا به واسطه وحدت کلمه بوده است. وحدت کلمه مسلمان، وحدت کلمه اقلیت‌های مذهبی با مسلمان، وحدت دانشگاه و مدرسه علمی، وحدت طبقه روحانی و جناح سیاسی. باید همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه، رمز پیروزی است و این رمز پیروزی را از دست ندهیم.» این تأکید در ساعات ابتدای ورود به ایران، علاوه بر آنکه مردم و گروه‌های مبارز را به حفظ و تقویت انسجام تشویق می‌کرد از سوق پیدا کردن جامعه به سمت اختلاف و چنددستگی‌ها هم اجتناب می‌کرد. به همین خاطر است که با وجود آنکه گروه‌های مختلفی مثل سازمان موسوم به مجاهدین خلق و گروه‌هایی مثل نهضت آزادی، سر سازگاری با جمهوری اسلامی برمی‌دارند، این اختلافات در میان مردم و جامعه نکثیر نمی‌شود و اتحاد جامعه اسلامی خدشه بر نمی‌دارد. امام یک روز بعد از پیروزی انقلاب در بخشی از پیامی که منتشر می‌کنند، می‌گویند: «ما در بین مبارزه هستیم و باز محتاج به وحدت کلمه هستیم. باز باید همه اقشار با هم برادروار در کنار هم آماده باشند برای مبارزه و جلوگیری از تشتتات و اختلافات. من به همه ملت توصیه می‌کنم که تاکنون به وحدت کلمه خودشان ادامه دادند، از این به بعد هم ادامه دهند.» یکی از خطرانی که پیش‌بینی می‌شد بعد از انقلاب ایران اوج بگیرد، پرزنگ

در سبیره مبارزاتی و حکومتی امام خمینی، حفظ انسجام و وحدت آفت‌در نقش کلیدی دارد که نبود آن را به سمی‌کشنده تعبیر کردند. ضرورت حفظ این وحدت در امت اسلامی، جامعه ایران و میان گروه‌های سیاسی داخل کشور بارها مورد تأکید قرار گرفته تا آنجا که امام برای افرادی که زمینه ایجاد تفرقه و چنددستگی در جامعه و جهان اسلامی می‌افراهم می‌کنند از تعابیری مثل «جیره‌خوار»، «تفاق‌افکن» و «وعاظ سلاطین» استفاده می‌کند. امام ضرورت حفظ انسجام را در سه سطح جهان اسلام، سیاستمداران نظام حکمرانسی و مردم جامعه مورد تأکید قرار می‌دهند و به معنای واقعی کلمه برای تحقق آن گام بر می‌دارند.

اختلاف افکن‌های جهان اسلام کارگردان‌های دولت‌های ابر قدرت

بروز اختلاف در جهان اسلام، پر وژه و کارویژه قدرت‌های غربی بود. موضوعی که امام در تبیین لزوم حفظ وحدت به آن اشاره و تأکید می‌کنند که قدرت‌های غربی از دوا براز اختلافات قومی و اختلافات مذهبی برای عمیق‌شدن شک‌فا‌ها در جهان اسلام استفاده می‌کردند. امام در تبیین استفاده قدرت‌های غربی از ایسن دو ابزار، حکومت عثمانی و جنگ جهانی اول را مثال می‌زند و به این موضوع تأکید می‌کند «آن‌ها دیدند با این دولت اسلامی به این قوی‌ای نمی‌شود چاره‌ای کرد، نمی‌شود ذخایر را برد. بعد از اینکه در آن جنگ غلبه پیدا کردند، تجزیه کردند دولت عثمانی را به دول بسیار بسیار کوچک.» امام، عمال بروز این تفرقه و چنددستگی در جهان اسلام را بعضی از سران کشورهای اسلامی دانسته می‌گوید: «یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمان است که بعضی از به اصطلاح کشورهای اسلامی، منشأ آن می‌باشند.» امام کسانی را که برای ایجاد اختلاف میان کشورهای اسلامی اقدام می‌کنند «وعاظ سلاطین» و «کارگردان‌های دولت‌های ابر قدرت» می‌خواند. در عین

سیره مبارزاتی امام بر مبنای استقامت و کوتاه نیامدن مقابل غرب استوار بود و جنس مقاومت امام رو به‌رویی دشمنان چه در دوران مبارزه در زمان پهلوی و چه پس از آن در مقابل قدرت‌های خارجی مثل آمریکا بنا به مقتضیات و الزامات متفاوت؛ اما اصل اساسی غیر قابل تغییر، پذیرفتن ظلم‌ها و زورگویی‌ها بود.

سیره مبارزاتی امام بر مبنای استقامت و کوتاه نیامدن مقابل غرب استوار بود و جنس مقاومت امام رو به‌رویی دشمنان چه در دوران مبارزه در زمان پهلوی و چه پس از آن در مقابل قدرت‌های خارجی مثل آمریکا بنا به مقتضیات و الزامات متفاوت؛ اما اصل اساسی غیر قابل تغییر، پذیرفتن ظلم‌ها و زورگویی‌ها بود.

استقامت امام مقابل رژیم پهلوی

عاشورای سال ۴۲ که کماتدوهای رژیم در مدرسه فقیهیه مستقر بودند و نگرانی از تهدید شدن جان امام وجود داشت، امام با یک جیب رویاز، میان مردم وارد مدرسه فقیهیه می‌شوند. برخورد امام در آن روز و مقابله با فشارهای رژیم پهلوی در روزهای انتهایی سال ۴۱ و ۴۲ به اوج می‌رسد، جایی که نقطه شروع نهضت امام است. بعد از آنکه محمدرضا مظمن می‌شود نمی‌تواند امام را از مواضع خود عقب براند، بنای مبارزه و سرکوب را علم می‌کند. محمدرضا در اسفند ۴۱ در سخنرانی در حضور افسران نیروهای عملاً امام را تهدید می‌کند و می‌گوید: «این عناصر فرومایه با همفکران ارتجاعی خودشان اگر از خواب غفلت بیدار نشوند، مشّت عدالت چنان مثل صاعقه در هر لباسی که باشند، بر سر آن‌ها

وجه ملت آمریکار اتحقیر نکرده‌ایم.» در جایی دیگر امام به این موضوع تأکید می‌کنند: «(این ملتی که الآن دارند فریاد می‌زنند «مرگ بر آمریکا» مقصودشان کارتر است. ملت آمریکا که ما ماکری نکرده. ملت آمریکا اگر بفهمد مطلب را، اگر بفهمد مطلب را، به حسب وجدان انسانی اش، با ما موافق است.» نگاه امام در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا مقابله و مواجهه در مقابل زورگویی است، برای مثال در ماجرای حضور ناوهای آمریکایی در خلیج فارس، جلسه شبانه با امام برگزار می‌شود، ناوهای آمریکایی وارد خلیج فارس شده بودند و مسئولان رده بالای کشور، نگرانی زیادی از بروز این اتفاق داشتند. واکنش امام ا قابل توجه است و در واکنش به این خبر می‌گویند: «چیز مهمی نیست، نگران نباشید.» امام در پاسخ به این سؤال که چه باید کرد می‌گویند: «اگر من جای شما بودم، وقتی سروکله اولین ناو جنگی آمریکایی در آب‌های خلیج فارس، ظاهر شد، همان وقت آن را با موشک می‌زدم تا ناو دومی جرأت نکند بعد از او وارد خلیج فارس شود.» امام علاوه بر آنکه هراسی از آمریکا نداشت این موضوع را در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات کشور به مردم و مسئولان یادآوری می‌کردند که نباید از آمریکا و ابر قدرت‌ها ترسید.

سیره مبارزاتی امام بر مبنای استقامت و کوتاه نیامدن مقابل غرب استوار بود و جنس مقاومت امام رو به‌رویی دشمنان چه در دوران مبارزه در زمان پهلوی و چه پس از آن در مقابل قدرت‌های خارجی مثل آمریکا بنا به مقتضیات و الزامات متفاوت؛ اما اصل اساسی غیر قابل تغییر، پذیرفتن ظلم‌ها و زورگویی‌ها بود.

ما نوکر آمریکا نمی‌شویم

امام در این مسیر مبارزاتی، امریکا را عامل اصلی چپاول و غارت کشور و هدایت